

Prospects of Bounded Rationality Theory in Islamic Economics*

Mohammad Javad Tavakoli *

Received: 22/08/2020

Accepted: 02/12/2020

Abstract

In recent decades, bounded rationality has been accepted greatly in economics. In this approach, there has been attention to the boundaries of human beings in rational choice including his cognitive boundaries. The current paper analyzes the extent to which this theory is consistent with the Islamic approach to rationality and how we could improve it by using the capacities of Islamic economics. I hypothesize that we will find a form of bounded rationality in Islamic resources that could be improved to a form of flourished rationality. According to the findings of the paper, Islam has paid attention not only to the cognitive boundaries of human beings in the evaluation of options and mental accounting, but also to his motivational, emotional, and intentional boundaries. In Islamic approach, the strong inclination of man to non-calculated passions is one of its motivational boundaries that deviates him from rationality. To overcome with the boundaries of rational choice, Islam tries to improve the cognitive aspects of people as well as their self-control power and continence. There has been attention to the capacities of social nudges, religion and Islamic ethics and internal pre-commitments.

Key words

Rationality, Bounded Rationality, Homo Economicus, Islamic Economics.

JEL Classification: B41, B00.

* The paper has been taken from the research project "Comparative Philosophy of Economics" financed by the Research Institute of Hawzeh and University

*. Associate Professor, Department of Economics, Imam Khomeini Education and Research Institute (IKI), Qom, Iran. tavakoli@iki.ac.ir

چشم‌اندازهای نظریه عقلانیت محدود در اقتصاد اسلامی^۱

محمدجواد توکلی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۲
مقاله برای اصلاح به مدت ۶ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

در دهه‌های اخیر رویکرد عقلانیت محدود طرفداران زیادی در علم اقتصاد پیدا کرده است. در این رویکرد به محدودیت‌های مختلف بشر در انتخاب عقلایی از جمله محدودیت‌های شناختی توجه شده است. در این مقاله به بررسی میزان تطابق این نظریه با رویکرد اسلامی به عقلانیت و ظرفیت‌های اقتصاد اسلامی برای بهبود آن می‌پردازیم. بنا به فرضیه مقاله، در منابع دینی از نوعی عقلانیت محدود سخن به میان آمده که می‌تواند با استفاده از رهنمودهای دینی به سمت نوعی عقلانیت تکامل‌یافته بهبود یابد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در منابع اسلامی علاوه بر توجه به محدودیت‌های شناختی بشر در زمینه تحلیل گزینه‌ها و حسابداری ذهنی مربوطه، به محدودیت‌های انگیزشی، هیجانی و ارادی بشر نیز توجه شده است. در رویکرد اسلامی، غلبه تمایلات انسان به سمت شهوات غیرسنجیده یکی از محدودیت‌های قوای تمایلی انسان است که وی را از عقلانیت دور می‌سازد. اسلام برای مهار محدودیت‌های انتخاب عقلایی افراد سعی در تقویت ابعاد شناختی بشر و همچنین تقویت قدرت خودکنترلی و خویش‌داری بشر دارد. در این زمینه به ظرفیت تذکر و تلنگرهای اجتماعی، دین و اخلاق اسلامی و تعهدسازی درونی توجه شده است.

واژگان کلیدی: عقلانیت، عقلانیت محدود، انسان اقتصادی، اقتصاد اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: B41, B00

۱. این مقاله مستخرج از طرح فلسفه اقتصاد تطبیقی است که مورد حمایت مالی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قرار گرفته است

tavakoli@iki.ac.ir

* دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران

مقدمه

نظریه انتخاب عقلایی یکی از محوری‌ترین نظریات مورد استفاده در اقتصاد متعارف است. بر اساس این نظریه، عاملان اقتصادی چه در حوزه تولید و اشتغال و چه در حوزه مصرف به شکلی عقلایی اقدام به بیشینه‌سازی سود یا مطلوبیت خود می‌کنند. این نظریه زمینه شکل‌گیری نظریات تکمیلی در اقتصاد متعارف همانند نظریه رفتار مصرف‌کننده، نظریه رفتار تولیدکننده و به تبع قوانینی همچون قانون عرضه و تقاضا را فراهم می‌کند.

در دهه‌های اخیر این نظریه با انتقادات جدی روبرو شده است. یکی از انتقادات مهم نسبت به این نظریه عدم توجه به محدودیت‌های انسان در انتخاب است. این اشکال در قالب نظریه انتخاب محدود و به‌شکل‌های مختلف ارائه شده است. در نظریات مختلف عقلانیت محدود به محدودیت‌های بشر در دسترسی به اطلاعات، پردازش اطلاعات، توجه به اطلاعات، و کنترل تمایلات اشاره شده است.

در این مقاله به بررسی دیدگاه اسلام نسبت به عقلانیت محدود و چشم‌اندازهای آن برای پیشبرد این نظریه می‌پردازیم. بنا به فرضیه مقاله، اسلام علاوه بر توجه به محدودیت‌های بشر در دسترسی، پردازش و توجه به اطلاعات، به محدودیت‌های جدی در زمینه مدیریت تمایلات توجه دارد. هرچند این رویکرد شباهت‌هایی با تحلیل‌های ارائه شده در زمینه انتخاب بین تمایلات حال و آینده دارد؛ آسیب‌شناسی متفاوتی نسبت به قوای انگیزشی بشر و انحراف آن به سمت شهوات دارد. در این راستا، اسلام علاوه بر تلاش برای تقویت ابعاد شناختی افراد، تلاش می‌کند تا به سمت پرورش امیال و رسوخ ملکات اخلاقی در افراد گام بردارد و قدرت خودکنترلی و خویشن‌داری ایشان را تقویت کند.

پیشینه تحقیق

هرچند محققان اقتصاد اسلامی آثار متعددی در زمینه انتخاب عقلایی تدوین کردند، مطالعات چندانی در زمینه نظریه عقلانیت محدود با رویکرد اسلامی به چشم نمی‌خورد. محققان مسلمان در ضمن نظریات خود اشاره‌هایی به برخی محدودیت‌های انتخاب عقلایی اشاره کرده‌اند. در این زمینه می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

- سعید سعد مرطان (۱۹۸۶) در ضمن مباحث خود در زمینه عقلانیت در نگرش اسلامی به محدودیت‌های شناختی انسان و ضرورت هدایت الهی اشاره می‌کند (مرطان، ۱۹۸۶م، صص. ۱۰۸-۱۱۴).
- سیدرضا حسینی (۱۳۷۹) برخی محدودیت‌های انتخاب عقلایی از جمله فشار خواسته‌های نفسانی و امکان خطا در شناخت‌ها را مورد توجه قرار داده است. وی مقابله این مشکل را مستلزم تکامل شناختی انسان در چهارچوب بینش اسلامی می‌داند (حسینی، ۱۳۷۹، صص. ۱۲۲-۱۲۵).
- نویسندگان کتاب مبانی اقتصاد اسلامی (۱۳۸۷) با تفکیک بین انسان اقتصادی مذموم، مقبول و ایدئال، به محدودیت‌های انگیزشی افراد از جمله تمایل شدید به منافع مادی و در فراموشی منافع اخروی اشاره می‌کنند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷، صص. ۱۰۸-۱۱۲).
- دادگر و هادوی‌نیا (۱۳۹۱) به مقایسه عقلانیت از دیدگاه اسلام با عقلانیت محدود پرداخته‌اند. آنان از رویکرد اسلامی با عنوان عقلانیت فراگیر یاد می‌کنند. از نگاه ایشان، عقلانیت فراگیر به برخی کارکردهای عقل توجه می‌کند که در عقلانیت محدود بدان پرداخته نشده است. همچنین در عقلانیت فراگیر منفعت شخصی توسعه می‌یابد به گونه‌ای که بسیاری از رفتارهایی که در عقلانیت محدود نمی‌توان آن را توجیه کرد، قابل توجیه می‌شود (دادگر و هادوی‌نیا، ۱۳۹۱).
- رحمانی (۱۳۹۵) ضمن تأیید محدودیت‌های انسان بر اساس نظریه عقلانیت محدود، با پیشنهاد مدل عقلانی - شهودی، شهود را به عنوان ابزاری متمم یا مکمل برای عقل معرفی می‌کند. وی به تبیین جایگاه وحی در تصمیم‌گیری عقلانی - شهودی اشاره می‌کند. از نگاه او، فرد در هنگام تصمیم‌گیری عقلانی در تمامی مراحل آن از طریق اعتقادات، احکام و ارزش‌های اسلامی هدایت می‌شود. تعالیم وحی همپای عقل و در نقش چراغ راهنمای آن در فرآیند تصمیم‌گیری حضور دارد و تجارب قضاوتی افراد، ارزش‌ها و ایدئال‌های آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (رحمانی، ۱۳۹۵).

در این مقاله به بررسی چشم‌انداز عقلانیت محدود در رویکرد اسلامی می‌پردازیم. نوآوری این مقاله در توجه به محدودیت‌هایی است که در اسلام برای انتخاب عقلایی افراد مطرح شده است. تبیین رویکرد اسلام برای مواجهه با محدودیت‌های پیش‌روی انتخاب عقلایی افراد نیز از جمله دستاوردهای این مقاله است.

نظریه انتخاب عقلایی متعارف

بر اساس نظریه انتخاب عقلایی متعارف، عواملان اقتصادی هنگام تصمیم‌گیری دست به انتخابی عقلایی می‌زنند. اقتصاددانان تفاسیر مختلفی از عقلانیت اقتصادی و انتخاب عقلایی ارائه داده‌اند. آمارتیا سن تفاسیر مختلف از عقلانیت را در قالب دو رویکرد سازگاری درونی انتخاب‌ها، و بیشینه‌سازی نفع شخصی مطرح می‌کند (Sen, 1988, p. 14).

۱. «سازگاری درونی» (Internal consistency): سازگاری درونی هنگامی محقق

می‌شود که فرد از بین مجموعه گزینه‌های پیش‌رو به شکلی مستدل، نظام‌مند و سازگار با یکدیگر دست به انتخاب بزند. در مورد معیار سازگاری درونی دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده، ولی تفسیر متعارف از آن این است که انتخاب از بین گزینه‌هایی صورت بگیرد که به صورت دو به دو (عمدتاً در قالب ترجیحات) با یکدیگر سنجیده شوند و بهترین گزینه انتخاب شود (Sen, 1987, p. 69). در این رویکرد، عقلایی بودن انتخاب به مؤلفه‌ای خارج انتخاب (محتوای اهداف، امیال، ارزش‌ها یا انگیزه‌ها) مرتبط نمی‌شود (Sen, 1988, p. 14). برای تحقق سازگاری درونی شرایطی همچون کامل بودن، انعکاس‌پذیری، اشباع‌ناپذیری باید محقق شود (کرمی و دیرباز، ۱۳۸۹، ص. ۳۷).

به نظر سن، سازگاری درونی گزینش، صرف‌نظر از تعریف ارائه شده از آن، نمی‌تواند به‌خودی‌خود شرط کافی عقلانیت باشد. اگر فردی با رعایت سازگاری درونی، همواره کاری برخلاف اهدافش انجام دهد، رفتار چنین شخصی را به سختی می‌توان عقلایی دانست. در این حالت با نوعی سرسختی لجوجانه مواجهیم که فرد همواره چیزی را انتخاب می‌کند که مخالف مصالح و منافع او است (Sen, 1988, pp. 14-15).

رویکرد سازگاری درونی، در زمره نظریات عقلانیت ابزاری (نه عقلانیت محتوایی) قرار می‌گیرد؛ زیرا در این رویکرد به مشخصات هدفی که باید بیشینه شود، پرداخته

نمی‌شود. بر این اساس، انتخاب از این جهت عقلایی تلقی می‌شود که فرد از بهترین ابزار برای بیشینه‌سازی تابع هدف، صرف‌نظر از محتوایش، استفاده می‌کند (Sen, 1987, p. 70).

۲. بیشینه‌سازی نفع شخصی (Self-interest maximization): در این رویکرد، انتخاب عقلایی مترادف با پیگیری معقول نفع شخصی (Reasoned Pursuit of Self-interest) و یا بیشینه‌سازی نفع شخصی است (Sen, 1987, p. 68; Sen, 1988, p. 15). بر این اساس، تحقق انتخاب عقلایی مستلزم نسبت‌سنجی میان گزینه انتخاب‌شده و نفع شخصی فرد است. (Sen, 1988, p. 15).

رویکرد عقلانیت به‌مثابه بیشینه‌سازی نفع شخصی با مشکل عقلانیت به‌مثابه سازگاری درونی روبرو نیست؛ اما از این جهت مشکل‌ساز است که تنها دنباله‌گیری نفع شخصی را عقلانی قلمداد می‌کند. اینکه بگوییم دنبال کردن هدفی غیر از بیشینه‌سازی نفع شخصی غیرعقلایی است، جای تعجب دارد. این تعریف از عقلانیت باعث می‌شود که رفتار برخواسته از انگیزه‌های اخلاقی را مردود شمرده و از خودخواهی اخلاقی (Ethical egoism) دفاع کنیم. این در حالی است که فرد ممکن است نسبت به تأمین اهدافی غیر از نفع شخصی نیز تمایل داشته باشد و نمی‌توان رفتار برخواسته از چنین تمایلی را غیر عقلانی دانست (Sen, 1988, p. 15).

برخی اقتصاددانان سعی کردند بین دو معیار سازگاری درونی و بیشینه‌سازی نفع شخصی تلفیق کنند. به‌طور نمونه، ساموئلسن (۱۹۸۳) با ارائه نظریه ترجیحات آشکار، سازگاری را در قالب شرط ضعیف ترجیح آشکار معنا می‌کند. بر اساس این شرط، اگر فردی از میان دو گزینه الف و ب، گزینه الف را بر می‌گزیند، آنگاه وی گزینه ب را از هیچ مجموعه‌ای که مشتمل بر الف باشد، انتخاب نخواهد کرد. این تعریف از سازگاری مستلزم لزوم بیشینه‌سازی است. اما عنوان ترجیحات آشکار مستلزم این است که گزینه انتخاب‌شده همیشه ترجیح نیز داده شده است. چون ترجیحات بیانگر نفع شخصی می‌باشند (بنا به تعبیر رایج)، ترجیح آشکار به معنای تأمین نفع شخصی است (Sen, 1987, pp. 69-70).

رویکرد ساموئلسن نتوانسته حلقه وصل کاملی بین انتخاب عقلایی به مفهوم بیشینه‌سازی نفع شخصی و ترجیحات آشکار باشد؛ زیرا ترجیحات آشکار حاوی یک نظریه عقلانیت محتوایی نیست و نکته‌ای در مورد محتوای ترجیحات ارائه نمی‌دهد.

این نظریه تنها در قالب یک نظریه عقلانیت ابزاری ظاهر می‌شود که بر اساس آن ارضای ترجیحات، صرف‌نظر از محتوایش، باید در حداکثر ممکن تأمین شود. این در حالی است که نظریه عقلانیت به معنای بیشینه‌سازی نفع شخصی در زمره نظریات عقلانیت محتوایی قرار می‌گیرد؛ چراکه در این نظریه به‌جای اینکه تابع ترجیحات بیشینه‌سازی شود؛ تابع مطلوبیت بیشینه می‌شود (Ibid, p. 70).

نظریه عقلانیت محدود

در دهه‌های اخیر نقدهای متنوعی نسبت به نظریه انتخاب عقلایی متعارف مطرح شده است. نقدهای مزبور از طرفی ناظر به عدم امکان تحقق شرایط انتخاب عقلایی و از طرف دیگر ناظر به مشکلات محتوایی نظریه است. هربرت سایمون، از جمله اقتصاددانانی است که با ارائه نظریه عقلانیت محدود، بر محدودیت‌های افراد در کسب اطلاعات و تحلیل آن تأکید کرد. آمارتیا سن نیز بر برخی مشکلات نظریه انتخاب عقلایی از جمله تعریف محدود از عقلانیت و عدم توجه به مقوله‌هایی همچون تعهدات اخلاقی سخن می‌گوید. در همین راستا، اقتصاددانان نهادی و رفتاری به تأثیرپذیری انتخاب‌ها از هنجارهای اجتماعی و فاصله‌گرفتن از پیش‌بینی‌های نظریه انتخاب عقلایی اشاره می‌کند.

نظریه عقلانیت محدود یا نظریه رضایتمندی از جمله نظریاتی است که در آن محدودیت‌های انتخاب عقلایی و عدول افراد از «انتخاب بهینه» به سمت «انتخاب رضایتمند» مطرح شده است. بر اساس این نظریه، مردم به‌دنبال یافتن بهترین گزینه از میان مجموعه‌ای از گزینه‌های ممکن نیستند؛ بلکه در پی انتخاب گزینه «رضایت‌بخش یا به‌اندازه کافی خوب» می‌باشند. برای نمونه، بنگاه‌ها به‌طور دائم خود را درگیر تلاش بی‌وقفه برای بهبود عمل‌کردشان، نمی‌کنند. یک بنگاه تا زمانی که سود کسب‌شده رضایت سهامداران را برای حفظ سهم فراهم کند، به‌دنبال روش‌های جدید نمی‌گردد. شروع به جستجو برای روش برتر، تنها زمانی رخ می‌دهد که سودها به زیر سطح بحرانی، سقوط کند. بر این اساس، فرآیند تصمیم‌گیری داخلی بنگاه، مبتنی بر محاسبه دائمی برای بیشینه‌سازی سود نیست؛ بلکه بنگاه‌ها از برخی قواعد سرانگشتی برای انتخاب استفاده می‌کنند؛ نه به این خاطر که این قواعد حاکی از روش بهینه‌اند؛ بلکه به این خاطر که این

روش فعلاً کار می‌کند. افراد با یافتن قواعد برتر، قواعد قبلی را کنار نمی‌گذارند؛ بلکه این قواعد وقتی کنار گذاشته می‌شوند که خوب کار نکنند (Elster, 1983, p. 25).

محدودیت‌های انتخاب عقلایی

نقطه محوری در نظریه عقلانیت محدود توجه به محدودیت‌های شناختی و انگیزشی افراد در مسیر انتخاب عقلایی است. در این زمینه، به محدودیت‌های مختلف در زمینه کسب و پردازش اطلاعات، توجه به اطلاعات، تعارض امیال و محدودیت‌های اخلاقی اشاره شده است. هربرت سایمون، با تردید در مورد توان افراد برای بیشینه‌سازی مطلوبیت و سود به دو مشکل محدودیت در دسترسی به اطلاعات و محدودیت در پردازش اطلاعات اشاره می‌کند (Simon H., 1972). برخی از محققان مباحث رفتاری همچون ماکس بازرمن به مشکل توجه محدود به اطلاعات اشاره دارند. بر این اساس، حتی در صورت وجود اطلاعات کامل، افراد تسلط کاملی بر اطلاعات در دسترس ندارند (Bazerman & Sezer, 2016). ریچارد تالر به وجود تعارض بین لذت‌های آنی و منافع بلندمدت و محدودیت اراده انسان توجه کرده است. از نظر او، محدودیت اراده انسان در کنترل خود باعث می‌شود که افراد در مرحله تصمیم‌گیری، انتخابی عقلایی نداشته باشند (Thaler & Sunstein, 2008). برخی محققان همچون آمارتیا سن و دانیل آریلی به وجود محدودیت‌های اخلاقی اشاره می‌کنند که باعث محدود شدن عقلانیت می‌شود (Sen, 1988; Sen, 1987).

جدول ۱: رویکردهای متفاوت در نظریه عقلانیت محدود

محدودیت‌های انتخاب عقلایی	نظریه پرداز
محدودیت در دسترسی و پردازش به اطلاعات	هربرت سایمون
محدودیت‌های ذهنی، محدودیت در توجه به اطلاعات	کاهنمن، تورسکی، بازرمن
محدودیت اراده و کنترل نفس در مقابله با تعارض لذت‌های آنی و منافع بلندمدت	ریچارد تالر، دانیل آریلی
محدودیت‌های اخلاقی، تعهدات اخلاقی	آمارتیا سن، آریلی

محدودیت در دسترسی و پردازش اطلاعات

از نظر سایمون، افراد در انتخاب‌ها با دو محدودیت دسترسی به اطلاعات و پردازش آن مواجه بوده و تصمیم‌هایشان از شرایط محیط و رفتار دیگران اثر می‌پذیرد. محدودیت دسترسی به اطلاعات تحت تأثیر هزینه‌های کاوش اطلاعات و کمبود زمان قرار دارد. محدودیت پردازش اطلاعات نیز در اثر محدودیت‌های شناختی انسان شامل نقصان در توانایی‌های فکری (مانند پردازش اطلاعات) و به‌کارگیری حافظه رخ می‌دهد (Todd & Gigerenzer, 2003, p. 144). به نظر سایمون، پیش‌بینی لذت حاصل از گزینه‌ها در آینده بسیار دشوار است (سایمون، ۱۳۷۱، ص. ۱۰۲).

سایمون معتقد است افراد به‌واسطه محدودیت‌های پیش‌رو به‌جای اینکه دست به بیشینه‌سازی مطلوبیت یا سود بزنند؛ به‌دنبال تأمین سطح رضایت‌مندی از آن می‌باشند (Rubinstein, 1998, p. 12). آنان به‌دنبال دستیابی به یک «سطح رضایت‌بخش» از اهداف می‌باشند (Simon H., 1972, p. 164). بر این اساس، انتخاب افراد مشتمل بر سه مرحله جستجو برای اطلاعات، توقف جستجو و سپس انتخاب است (Gigerenzer & Selten, 2001, p. 17). حافظه، توانایی پشتیبانی از عملی شدن همزمان تمام اهداف را ندارد و در نهایت به‌جای اینکه به‌دنبال بهینه‌یابی باشد به‌دنبال ارضای قابل قبول نیازها می‌باشد. مکانیسم این جستجو به این شکل است که اگر فرد توانست گزینه‌ای که توانایی تأمین تمام اهداف را دارد بیابد آن را انتخاب می‌کند و گرنه با جستجوی بیشتر به سراغ گزینه بعدی رفته و تا جایی جلو می‌رود که گزینه‌ای را پیدا کند که رضایت قابل قبولی را برایش فراهم کند (Jones, 2002, p. 273).

به نظر سایمون، افراد هنگام تصمیم‌گیری از ترکیبی از روش‌های منطقی و شهودی استفاده کرده و از تجارب اندوخته‌شده در حافظه بلندمدت خود استفاده می‌کنند. آنان ممکن است از الگوهای رفتاری متعددی متناسب با شرایط محیط تصمیم استفاده کنند (Simon, 1987, pp. 57-64). سایمون با نقد فردگرایی روش‌شناختی به‌عنوان یکی از مبانی نظریه انتخاب عقلایی به تأثیرپذیری افراد از تصمیم یکدیگر اشاره می‌کند. به نظر او، «امکان ندارد که رفتار فرد، تنها و جدا از دیگران، به درجات برتر عقلانیت برسد» (سایمون، ۱۳۷۱، ص. ۹۷).

به نظر سایمون، افراد هنگام انتخاب همانند یک شطرنج بازی حرفه‌ای همه گزینه‌های موجود را بررسی نمی‌کنند؛ بلکه تعداد اندکی از مجموعه حرکت‌های منطقی را به نحو کامل و عمیق بررسی می‌کنند (Simon, 1972, pp. 167-169). وی به ظرفیت‌های یادگیری (استفاده از تجربیات پیشین، ارتباط و مشورت با دیگران و پیش‌بینی نظری پیامدها)، حافظه (طبیعی موجود در ذهن یا حافظه مصنوعی مانند یادداشت‌ها، کتاب‌ها و ...)، و عادت (حفظ الگوهای رفتاری برای انجام در موقعیت‌های مشابه بدون نیاز به اندیشیدن آگاهانه و واکنش همانند موارد قبلی؛ سازگاری شرطی پیشین) در مسیر انتخاب اشاره می‌کند (سایمون، ۱۳۷۱، صص. ۱۰۴-۱۱۴).

به نظر سایمون، افراد هنگام انتخاب عقلایی سه مرحله فهرست‌کردن راهبردهای ممکن، تعیین پیامد هر راهبرد و ارزش‌یابی مقایسه‌ای پیامدها را پشت‌سر می‌گذارند. از آنجاکه فرد نمی‌تواند آگاهی کاملی از همه گزینه‌ها یا پیامدهای آنها داشته باشد، انتخاب واقعی در عمل از الگوی انتخاب عقلایی فاصله می‌گیرد (سایمون، ۱۳۷۱، ص. ۸۲). به‌واسطه تعدد گزینه‌ها، تنها شمار اندکی از گزینه‌های احتمالی به ذهن انسان می‌آید. همچنین چون پیامدها در آینده روی می‌دهند، تخیل، باید خلأ نبود احساس تجربی را برای دادن ارزش به این پیامدها، پر کند؛ از این‌رو، چنین ارزش‌گذاری کامل نیست (سایمون، ۱۳۷۱، ص. ۹۹). این مشکل در رفتارهای گروهی و در صورت وجود بیش از یک تصمیم‌گیرنده، تشدید می‌شود؛ زیرا افراد باید انتخاب‌های دیگران و پیامدهای آن را نیز بشناسند (سایمون، ۱۳۷۱، ص. ۸۷). از نگاه سایمون، رفتار واقعی، از هنجار عقلانیت جداست (سایمون، ۱۳۷۱، صص. ۱۰۴-۱۱۴).

محدودیت‌های ذهنی در انتخاب

محدودیت‌های ذهنی انسان در توجه به اطلاعات و پردازش آن نیز مورد توجه تحلیل‌گران اقتصادی قرار گرفته است. در این زمینه، کاهنمن و تورسکی به بررسی سوگیری‌های ذهن در انتخاب پرداخته‌اند (Kahneman, 2010). ماکس بازرمن به مشکل عدم تسلط کافی افراد بر اطلاعات حتی در صورت وجود اطلاعات کامل، اشاره می‌کند (Bazerman & Sezer, 2016).

از نظر کاهنمن، ذهن انسان از نظر کارکردهای شناختی، دارای دو سیستم پاسخگویی سریع و کند است. کارکرد سیستم اول پاسخگویی سریع و ظاهراً بدون تأمل نسبت به موقعیت‌های پیش‌رو است. در مقابل، سیستم دوم، اقدام به سنجش، ارزیابی، نقادی و تفکر عمیق و استنتاج منطقی و عقلایی می‌کند. کارکرد سیستم دوم کند، پُرحمت و انرژی‌بر است. سیستم اول در بسیاری از موارد صورت مسائل را تغییر داده و حتی راه‌حل‌های اشتباهی به دست می‌دهد. وی سیستم اول ذهن را نتیجه مراحل تکاملی و تلاش ذهن برای ارزیابی محیط و واکنش به آن می‌داند.

این دو نیرو باعث دو نوع تصمیم‌گیری شهودی و استدلالی می‌شود. افراد در تصمیم‌گیری‌های شهودی سریع می‌توانند دچار اشتباه شوند. اما زمانی که پیامد کار برای افراد مهم است، آنها با احتمال بیشتری درگیر تفکر آگاهانه شده و تصمیم استدلالی می‌گیرند. افراد برای حل مسائل پیچیده به شکلی ناخودآگاه از راه‌های میان‌بر یا روش‌های اکتشافی استفاده می‌کنند (Kahneman & Tversky, 1974).

تصمیم‌گیری افراد با برخی سوگیری‌ها روبرو است. چگونگی چارچوب‌بندی گزینه‌های پیش‌رو انتخاب افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر افراد از میان دو گزینه با پیامد ریاضی یکسان، یکی را به‌منزله شکست و دیگری را به‌منزله موفقیت بدانند، از اولی پرهیز کرده و دومی را انتخاب می‌کنند. تصمیم‌گیری افراد به شدت تحت تأثیر پیش‌فرض‌های آنها نیز قرار دارد. این امر باعث می‌شود که افراد تنها بر اساس سیستم استدلالی و فرض عقلانیت کامل تصمیم نگرفته و تصمیم نادرست بگیرند. عدم تقارن در واکنش به سود و زیان نیز انتخاب‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌طور معمول، ضررها، دو برابر بیشتر از فواید هم‌مقیاس خود، مورد تنفر می‌باشند. همچنین افراد به احتمالات کوچک‌وزن بسیار زیاد می‌دهند. آنان دوستدار بلیت‌های بخت‌آزمایی بسیار نامتقارن، با شانس بسیار کم برای برد می‌باشند. همچنین افراد به خرید بیمه برای مقابله با شانس کوچک زیان‌های سنگین تمایل دارند (Colin, Loewenstein, & Rabin, 2004, p. 20).

اگر به کتاب‌های اقتصادی نگاهی بیندازید خواهید فهمید انسان اقتصادی می‌تواند مانند آلبرت اینشتین فکر کند، ذخیره حافظه‌ای به بزرگی بیگ بلوی آبی‌ام دارد. در نیروی اراده مانند ماهاتما گاندی است. اما مردمی که می‌شناسیم واقعاً شبیه اینها نیستند.

افراد واقعی اگر ماشین حساب نداشته باشند، در انجام یک تقسیم مشکل دارند. آنها انسان اقتصادی نیستند، بلکه واقعاً انسان می‌باشند (Thaler & Sunstein, 2008).

افراد به‌خاطر داشتن محدودیت‌های شناختی و مشکل دسترسی به اطلاعات، اطلاعات ناسازگار با احساسات و باورهایشان را نادیده می‌گیرند؛ و اطلاعات سازگار با آن را تقویت کرده و می‌پذیرند. ترس هیجانی افراد از شکست مانع از تفکر منطقی در برابر رقبا می‌شود. افراد به‌شدت تأثیر و کینه‌جویی رقبایشان را بیش از حد برآورد می‌کنند. این سوگیری به‌نوبه خود پیوندهای آنها را با کسانی که باورهای مشابه دارند، تقویت می‌کند (رهبر و امیری، ۱۳۹۳، صص. ۱۶۸-۱۶۹).

محدودیت اراده و خودکنترلی

ریچارد تالر از بنیان‌گذاران اقتصاد رفتاری، معتقدست مردم عادی از انسان اقتصادی فاصله دارند. وی در کنار اشاره به برخی از مشکلات افراد در انتخاب‌هایشان از جمله اثر مالکیت، حسابداری ذهنی، توجه بیشتر به هزینه از جیب، تأثیرپذیری از عوامل غیرمرتبط، تمرکز خود را بر محدودیت اراده و ضعف خودکنترلی می‌گذارد. در مدل انسان اقتصادی به‌شکلی غیرواقعی فرض می‌شود که افراد بر رفتار خود (تصمیم‌گیری) کنترل نامحدود دارند. این در حالی است که افراد علی‌رغم اینکه در پاره‌ای اوقات از بهترین گزینه‌ها مطلع‌اند، کنترلی بر خود ندارند. این مشکل در موارد مختلفی از جمله تصمیم به پس‌انداز رخ می‌دهد (Thaler & Shefrin, 1981).

تالر برخلاف نئوکلاسیک‌ها که معتقدند باید افراد را آزاد بگذاریم و خودشان تصمیم درست می‌گیرند، از لزوم کمک به افراد برای اتخاذ تصمیم صحیح پشتیبانی می‌کند. از نظر او، تذکر به افراد می‌تواند باعث اصلاح رفتار آنها شود. وی معتقد است که باید گزینه‌ها را به‌گونه‌ای دستکاری کنیم که افراد تصمیم صحیح بگیرند (Thaler & Sunstein, 2008; Thaler, 2015).

محدودیت‌ها و قابلیت‌های اخلاقی

دانیل آریلی، از اقتصاددانان رفتاری است که در آثار مختلفش به بررسی انتخاب‌های نابخردانه افراد پرداخته است. وی با اشاره به تجربه بحران سال ۲۰۰۸، بر ناکارآمدی منطق دست‌نامرئی بازار و به تبع فرض رفتار عقلایی تأکید می‌کند. به نظر او، تجربه

این بحران این ادعا که انسان‌ها قادرند همیشه تصمیماتی عاقلانه بگیرند و بازارها و نهادها می‌توانند به نحو صحیحی خودشان را تنظیم کنند، را با چالش مواجه کرد. به نظر او، دست‌نامرئی واقعی پشت تصمیم‌گیری‌های انسانی، نابخردی و نه نیروی بازار است. آریلی به شکل خاص به بررسی تأثیر محدودیت‌ها و قابلیت‌های اخلاقی در کنترل انتخاب‌ها پرداخته است. نتایج مطالعات تجربی آریلی حاکی از آن است که اخلاق می‌تواند در برخی موارد رفتار را محدود و کنترل کند. در برخی موارد نیز دامنه اثرگذاری آن کاهش می‌یابد. وی به صورت خاص به بررسی نیمه تاریک کار گروهی پرداخته است. وی دریافت که چنانچه افراد در کارشان به حال خود رها شوند و فرصتی پیدا کنند، تا جایی که برای خودشان قابل توجه بوده و احساس گناه نکنند، مقداری تقلب را چاشنی کارشان می‌کنند. یافته‌های او نشان داد که اقدام ساده‌ای مانند اینکه از افراد بخواهیم لحظه‌ای به اصول اخلاقی‌شان بیندیشند، می‌تواند به شکل مؤثری از امکان تقلب کردن، پیشگیری کند. در مقابل، تقلب مرضی مسری است و تمایل بدان با مشاهده تقلب دیگران افزایش می‌یابد. همچنین افراد ممکن است برای تأمین منافع گروه از اصول اخلاقی عدول کنند. مشاهدات تجربی آریلی و همکارانش حاکی از تمایل مشتریان برای انتقام از فروشندگان خطاکار است. آریلی مشاهده کرد که مشتریان ناراضی انگیزه زیادی برای انتقام دارند؛ عملی که با استناداردهای انتخاب عقلایی سازگاری چندانی ندارد (Ariely, 2009).

راهبردهای مقابله با محدودیت‌های انتخاب عقلایی

هرچند نظریه‌پردازان عقلانیت محدود عمدتاً رویکردی توصیفی به محدودیت‌های انتخاب عقلایی دارند، برخی از ایشان به دنبال ارائه راهکارهایی برای مواجهه با آن نیز می‌باشند. در این زمینه پیشنهاد تالر برای استفاده از تلنجر و راهبرد آریلی برای توجه به اخلاق برجسته است. توماس شلینگ نیز از ابزارهای تعهدساز سخن می‌گوید که ابزاری برای غلبه بر ضعف اراده است.

تلنجر

تالر و سانشتین (۲۰۰۸) در مقدمه کتاب تلنجر به این نکته اشاره می‌کند وقتی ما گزینه‌های انتخاب را مرتب می‌کنیم، به گونه‌ای دست به معماری انتخاب زده‌ایم. آنها

معتقدند که با استفاده از تلنگرهایی می‌توان به انتخاب عقلایی افراد کمک کرد. ایشان چنین مداخله‌ای آزادی انتخاب‌گر را محدود نمی‌کند؛ بلکه باعث می‌شود گزینش انتخاب‌گر را به قضاوت خودش بهبود دهیم. آنان این رویکرد را قیّم‌مآبی آزادی‌خواهانه می‌نامند. «معماران انتخاب با تلاشی آگاهانه افراد را در جهت زندگی بهتر سوق می‌دهند. آنها تلنگر می‌زنند» (Thaler & Sunstein, 2008, pp. 3-6).

تلنگرزدن، بنا به اصطلاح ما، هر جنبه‌ای از معماری انتخاب است که رفتار افراد را به شیوه‌ای قابل پیش‌بینی، بدون منع هیچ گزینه‌ای یا تغییری معتنا به در انگیزه‌های اقتصادی‌شان تغییر می‌دهد. برای آنکه مداخله‌ای تلنگر به حساب آید باید آسان و جلوگیری از آن راحت باشد. تلنگرها اجباری نیستند. قرارداد میوه در دسترس مشتریان تلنگر به حساب می‌آید، اما ممنوعیت تنقلات کم‌ارزش، تلنگر نیست (Thaler & Sunstein, 2008, p. 6). بر اساس تعریف ما، تلنگر هرگونه عاملی است که به میزانی قابل‌ملاحظه باعث تغییر رفتار انسان می‌شود، حتی اگر انسان اقتصادی آن را نادیده بگیرد (Thaler & Sunstein, 2008, p. 8).

ظرفیت اخلاق

محققانی همچون آمارتیا سن و دانیل آریلی به صورت ضمنی از ظرفیت اخلاق برای انتخاب سخن گفته‌اند. همان‌گونه که بیان شد، آریلی به مطالعاتی اشاره می‌کند که حاکی از اثر یادآوری‌های اخلاقی بر کنترل انتخاب دارد. برای نمونه، نتایج برخی مطالعات نشان می‌دهد که یادآوری ده دستور تورات باعث کاهش تقلب می‌شود (Ariely, 2009; Ariely, 2008, p. 16). البته این تحلیل وابسته به تعریف عقلانیت و قبول سازگاری آن با اخلاق است. سن از محققانی است که انتخاب اخلاقی را با انتخاب عقلایی سازگار می‌داند (سن، ۱۳۷۷، ص. ۱۷).

ابزارهای تعهدساز

توماس شلینگ (۱۹۶۰) و جان الستر (۲۰۰۰) معتقدند افراد برای غلبه بر ضعف اراده فضای تصمیم را به گونه‌ای طراحی می‌کنند که بتوانند انتخابی عاقلانه داشته باشند. شلینگ از این راهبرد به‌عنوان ابزارهای تعهدساز (Commitment devices) یاد می‌کند. برای نمونه، فرمانده پل‌های پُشت‌سر سربازان را خراب می‌کند تا آنان به فکر عقب‌نشینی

نیفتند. یا فرد بسته سیگار را دور از دسترس خود قرار می‌دهد تا بتواند راحت‌تر آن را ترک کند (Schelling, 1960, pp. 21-51). جان الستر از این رویکرد با عنوان پیش‌تعهد (Precommitment) یاد می‌کند، روشی که در آن فرد سعی می‌کند خود را به انجام کاری متعهد سازد (Elster, 2000, pp. 1-7).

جایگزین‌های نظریه انتخاب عقلایی در اقتصاد اسلامی

محققان اقتصاد اسلامی ضمن نقد نظریه انتخاب عقلایی متعارف، تلاش کرده‌اند تا این نظریه را اصلاح کرده و یا جایگزینی برای آن ارائه دهند. نظریه‌های انتخاب عقلایی در اقتصاد اسلامی را می‌توان در دو دسته متمایز نظریه انتخاب عقلایی اسلامی مطلوبیت‌گرایانه و غیرمطلوبیت‌گرایانه جای داد. بر اساس رویکرد اول، انتخاب عقلایی به مفهوم بیشینه‌سازی منافع مادی، معنوی و اخروی در نظر گرفته شده است. در رویکرد دوم، انتخاب عقلایی در معانی همچون بیشینه‌سازی رضایت خداوند گرفته شده است.

در نظریات مطلوبیت‌گرایانه، انتخاب عقلایی به مفهوم بیشینه‌سازی مطلوبیت یا لذت گسترده شامل لذت دنیا و آخرت و لذت‌های مادی و معنوی گرفته شده است. بر این اساس، انتخاب عقلایی معادل «بیشینه‌کردن سرجمع لذت‌های دنیایی و آخرتی» یا «بیشینه‌سازی لذت مادی و معنوی در دنیا و آخرت» گرفته شده است (میرمعزی، ۱۳۸۴، ص. ۶۷؛ هادوی‌نیا، ۱۳۸۷، ص. ۲۸۲). تمایز این رویکرد از نگرش اقتصاد متعارف در گسترش مفهوم مطلوبیت و لذت است که علاوه بر لذت‌های مادی (ثروت)، شامل لذت‌های معنوی (اعتلای روح، کمال نفس) و اخروی (نعمت‌های بهشتی) نیز می‌شود. همچنین لذت‌های معنوی و اخروی به واسطه بادوام‌تر، شدیدتر و خالص‌تر بودن، بر لذت‌های مادی دنیوی ترجیح داده می‌شوند (میرمعزی، ۱۳۸۴، ص. ۶۷). از نظر طرفداران این نظریه چون انسان از آثار آخرتی رفتارهای خود، اطلاع ندارد، ترجیحات و گزینش او نمی‌تواند در راستای بیشینه‌کردن هدف پیش‌گفته، صورت پذیرد. از این رو، خداوند با ارائه دستورات اسلامی، کوتاه‌ترین و بهترین مسیر را برای دستیابی به هدف مزبور، نشان داده است (میرمعزی، ۱۳۸۴، ص. ۶۷). همچنین عنوان شده که چون انسان در خلقتش عجول است، حال را بر آینده ترجیح می‌دهد. به

همین خاطر، هدف اصلی اسلام این است که وی را متوجه زندگی پس از مرگ و پاداش و جزای اخروی کند؛ پاداش و جزائی که از نظر میزان و عظمت به هیچ عنوان با پاداش‌ها و جزاهای دنیوی قابل مقایسه نیست (زرقا، ۱۳۷۵، ص. ۲۰۰). برخی محققان اقتصاد اسلامی، با اتخاذ رویکردی مشابه، عقلانیت را به مفهوم «بیشینه‌سازی پاداش اخروی پس از تأمین حداقل سطح مصرف دنیوی (حد کفاف)» تعریف کرده‌اند (زرقا، ۱۳۷۵، صص. ۲۰۶-۲۰۷).

در نظریه‌های غیرمطلوبیت‌گرایانه، رفتار عقلایی به ناچار با فرآیند بیشینه‌سازی سود یا مطلوبیت همراه نیست (صدیقی، ۱۳۷۵، ص. ۷). در این چهارچوب عقلانیت به مفاهیمی همچون بیشینه‌سازی حسنات (Kahf, 2014, p. 145)، بیشینه‌کردن رضایت الهی، انتخاب بر اساس مصلحت (عبدالمنعم عفر و مصطفی، ۱۹۹۹، صص. ۱۴۶-۱۵۳)، موازنه بین منافع دنیوی و اخروی (Khan, 1984, p. 7)، و بیشینه‌کردن رضایت الهی (صدر، ۱۳۷۴، صص. ۱۹۳-۱۹۴) آمده است.

یکی از مشکلات عمده نظریات مطرح شده در زمینه انتخاب عقلایی اسلامی عدم توجه به مشکلات شناختی، انگیزشی و ارادی انسان است. در رویکردهای مورد بحث فرض شده است که انسان اقتصادی مسلمان به واسطه برخورداری از برخی شناخت‌ها و تربیت‌های دینی به دنبال نوعی بیشینه‌سازی مطلوبیت مقید به احکام و ارزش‌های اسلامی است. این نوع رویکرد را می‌توان رویکردی ایدئال نسبت به انسان اقتصادی و نه رویکردی نسبت به انسان موجود قلمداد کرد.

رویکرد اسلامی به عقلانیت محدود

برخی محققان اقتصاد اسلامی به شکلی ضمنی به برخی از محدودیت‌های انتخاب عقلایی اشاره کرده‌اند؛ بدون آنکه نگرشی نظام‌مند در مورد رویکرد اسلام نسبت به انتخاب عقلایی ارائه دهند. برای نمونه، سعید سعد مرطان (۱۹۸۶) معتقد است هرچند خداوند به انسان قدرت عقل و بصیرت داده و او را قادر به شناخت راه خیر و صلاح (شر و گمراهی) کرده است، شناخت‌های او کامل نیست. وی نیاز شدیدی به هدایت ارائه شده از سوی پیامبران و کتاب‌های آسمانی دارد. به نظر او، رفتار افراد ممکن است در پاره‌ای از موارد غیرعقلانی، غیراقتصادی و باعث ضرر به منافع فرد و جامعه شود.

در آیه ۱۴ سوره آل عمران به مستعد بودن انسان برای چنین انحرافی در اثر تمایل زیاد افراد به شهوات اشاره شده است (مرطان، ۱۹۸۶م، ص. ۱۰۸).

یکی دیگر از رویکردهای پژوهشگران اقتصاد اسلامی توجه ضمنی به محدودیت‌های عقلانیت با تفکیک بین انسان اقتصادی مذموم، مقبول و ایدئال است. به نظر ایشان، انسان اقتصادی مذموم تنها به بعد مادی خود می‌پردازد، نفع مادی خود را بر منافع دیگران ترجیح می‌دهد و تنها به اقتضای غرایز عمل می‌کند. انسان اقتصادی مقبول (مورد تأیید اسلام) ترکیبی از نفع مادی، اخلاقی و معنوی را دنبال می‌کند. در این مسیر وی آگاهانه به تأمین نفع دیگران اقدام می‌کند، معیار او در محاسبات عقلایی فقط غرایز او نیست، بلکه معیارش انطباق با شرع و عقل است. اما انسان اقتصادی ایدئال هرگز در پی منافع زودگذر یا دیرپای خود نیست؛ بلکه منافع دیگران را بر خود مقدم می‌دارد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷، صص. ۱۰۸-۱۱۲).

برخی پژوهشگران اقتصاد اسلامی به پاره‌ای از محدودیت‌های انتخاب عقلایی از جمله فشار خواسته‌های نفسانی و امکان خطا در شناخت‌ها اشاره کرده‌اند. از نگاه ایشان، انسان به خاطر برخوردار بودن از بینشی محدود، ممکن است در انتخاب‌های خود دچار اشتباه شود (حسینی، ۱۳۷۹، ص. ۱۲۲). مواجهه با این مشکل مستلزم آن است که عقلانیت افراد در دو بعد شناخت‌ها و ارزش‌ها تکامل یابد (حسینی، ۱۳۷۹، صص. ۱۲۴-۱۲۵).

گروهی از محققان اقتصاد اسلامی نیز عقلانیت محدود در اقتصاد شناختی را در مقابل عقلانیت فراگیر در اقتصاد اسلامی با رویکرد شناختی قرار می‌دهند. از نظر ایشان تفاوت این دو رویکرد عبارتست از: الف) در عقلانیت فراگیر با تکیه بر مبانی معرفت‌شناختی اسلامی به کارکردهای دیگری از عقل اشاره شده است که در عقلانیت محدود به آنها پرداخته نشده است؛ ب) در عقلانیت فراگیر با توجه به مبانی انسان‌شناختی، منفعت شخصی توسعه می‌یابد، به گونه‌ای که بسیاری از رفتارهایی که در عقلانیت محدود نمی‌توان توجیه کرد، در عقلانیت فراگیر توجیه‌پذیر می‌باشد (دادگر و هادوی‌نیا، ۱۳۹۱).

محدودیت‌های سه‌گانه عقلانیت در رویکرد اسلامی

محدودیت‌های انتخاب عقلایی در رویکرد اسلامی را می‌توان با توجه به ابعاد مختلف نفس انسان تبیین کرد. نفس آدمی را می‌توان به هرمی سه‌بعدی شامل ابعاد شناخت، قدرت و محبت تشبیه کرد. این ابعاد به ترتیب از مقوله علم و ادراک، توانایی و انگیزش و هیجان می‌باشند. در این میان، بعد محبت را می‌توان در سه شاخه اصلی حبّ بقا، حبّ کمال و لذت‌جویی و سعادت‌طلبی جای داد. انسان می‌خواهد باقی و همیشه زنده باشد (حب بقاء)؛ در این جریان بقا روزبه‌روز کامل‌تر شود (حقیقت‌جویی و قدرت‌طلبی)؛ و می‌خواهد همیشه شاد باشد («لذت‌جویی» و «سعادت‌طلبی») (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، صص. ۱۸۵-۱۸۶). انگیزه سوم گستره وسیعی دارد و شامل غریزه تغذیه و جنسی، غریزه زیبایی دوستی و جمال‌طلبی مادی و معنوی و همچنین عواطف، احساسات و انفعالات می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۹). «البته محبت موجود در نفس منحصر به خوددوستی یا حب ذات نیست». انسان گرایش‌های فطری چون عشق به خدا و پرستش او نیز دارد که ریشه در ذات نفس دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۲، صص. ۳۲-۳۳).

ابعاد سه‌گانه نفس؛ یعنی، علم و محبت و قدرت، در مقام وحدت و بساطت نفس که به منزله رأس هرم است، به هم می‌پیوندند و عین هم می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۲، صص. ۳۳-۳۴). این ابعاد ارتباطی ناگسستنی و پیوندهائی پیچیده و درهم تأثیر و تأثیری عمیق دارند. کشش‌های انسان با ادراک و آگاهی درآمیخته‌اند. علم و آگاهی به انگیزه‌ها جهت می‌دهد و موجب خیزش، بیداری و شکوفایی آنها می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص. ۳۷).

با توجه به تحلیل انسان‌شناختی ارائه شده، محدودیت‌های عقلانیت در رویکرد اسلامی را می‌توان با توجه سه بعد شناختی، انگیزشی و ارادی نفس انسان تحلیل کرد. بر این اساس، محدودیت انتخاب عقلایی گاه به واسطه مشکلات شناختی رخ می‌دهد. در پاره‌ای از موارد مشکلات انگیزشی و عاطفی مانع تصمیم‌گیری عقلایی است. ضعف اراده و مشکلات مرتبط با آن نیز می‌تواند مانع انتخاب عقلایی باشد.

محدودیت‌های شناختی انتخاب

اسلام توجه ویژه‌ای به ابعاد شناختی انتخاب دارد. در آیات زیادی از قرآن به خطاهای محاسباتی بشر در انتخاب اشاره شده است. از جمله این خطاهای محاسباتی، محاسبه نادرست در مورد منافع دنیوی و نادیده گرفتن منافع اخروی است. برای نمونه، خداوند متعال افراد را به واسطه روگردانی از پیامبر به خاطر مشاهده جذابیت‌های تجاری سرزنش می‌کند و عنوان می‌دارد که آنچه نزد خداست بسیار برتر از منافع تجاری می‌باشد (جمعه: ۱۱).

تعبیر قرآنی حاکی از نوعی خطای محاسباتی بشر است که منافع اخروی را کم‌ارزش تلقی کرده و در مقابل منافع مادی دنیوی را بسیار ارزشمند می‌یابد. این خطای محاسباتی ریشه در برخی ابعاد روانی انسان دارد؛ چرا که طبیعت انسان این‌گونه سرشته شده که به سمت منافع دنیوی گرایش شدیدی دارد و همین امر موجب غفلت او از منافع اخروی می‌شود (آل عمران: ۱۴). مشکلات محاسباتی بشر باعث می‌شود که آنچه به نفع اوست را مضر بداند و آنچه به ضرر اوست، را نافع بیندارد (بقره: ۲۱۶). به همین خاطر در آیات زیادی از قرآن مجید برتری منافع اخروی نسبت به منافع دنیوی گوشزد شده است (آل عمران: ۱۸۵، نساء: ۷۷، انعام: ۳۰، ۳۲، ۷۰، اعراف: ۵۱).

محدودیت‌های انگیزشی

در رویکرد اسلامی، تمایلات و غرایز کور انسان می‌توانند وی را از رفتار عقلایی دور سازد؛ این مشکل زمانی رخ می‌دهد که انسان بدون تبعیت از رهنمودهای عقل به دنبال ارضای غرایز و شهوات خود و یا خواسته‌های نفس اماره می‌رود. نفس اماره یکی از ابعاد نفس انسان است که وی را به سمت کارهای زشت و پست فرا می‌خواند (یوسف: ۵۳؛ ق: ۱۶). تبعیت از نفس اماره باعث می‌شود انسان همانند حیوانات تابع شهوات شود (محمد: ۱۲). در این حالت فرد پیوسته در این فکر است که «چه بخورد، چه بپوشد، چه بنوشد و چه لذتی کسب کند؛ ... قرآن درباره اینان با تعبیر تویخ‌آمیز می‌گوید: بگذارشان بخورند و کام جویند و آرزوهای (بلند) مشغول‌شان دارد که بزودی (بدی کار خویش را) می‌فهمند (حجر: ۳)». «برای آنکه چنین کسی بتواند دل خویش را

انسانی کند باید تا حدی از این لذت‌پرستی و کامجویی افراطی خارج شود» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص. ۱۶۷).

تبعیت از شهوات و هواپرستی باعث حرص و زیاده‌طلبی انسان و در نتیجه بخل‌ورزی و امتناع از کمک به فقرا می‌شود که در منطق اسلامی رفتاری غیرعقلایی است (معارج: ۱۹-۲۱؛ اسراء: ۱۰۰؛ تغابن: ۱۶). در این حالت، خواست‌های حیوانی بر گرایش‌های والای انسانی و الهی ترجیح داده می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، صص. ۱۹۴-۱۹۵). تمایل انسان به بقاء می‌تواند انسان را درگیر آرزوهای دراز و علاقه شدید به داشتن عمر طولانی در دنیای مادی کند (بقره: ۹۶). این در حالی است که اگر انسان زندگی دنیا را مرحله گذرایی بداند، به این زندگی دل نمی‌بندد؛ بلکه بیشتر برای آخرتش کار می‌کند. در این صورت، همان انگیزه حب بقا انسان سبب می‌شود پشت به دنیا کند و روی به آخرت بیاورد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۷).

یکی از دلایل بروز این مشکل انگیزشی آن است که انسان بنا به طبیعتش موجودی عجول است که برای دستیابی به دستاوردهای زوددهنگام دنیا، آخرت را از یاد می‌برد (اسراء: ۱۱؛ قیامه: ۲۰-۲۱). شدت علاقه انسان به مال نیز زمینه‌ساز بروز این مشکل است (فجر: ۲۰؛ عادیات: ۸). محبت نسبت به امور مادی از جمله اموال و دارایی‌های دنیوی برای انسان جلوه داده شده تا در پرتو آن آزمایش و تربیت شود. خداوند متعال برای تصحیح نگرش افراد این نکته را گوشزد می‌کند که امور مادی، توشه زندگی دنیا می‌باشند؛ درحالی‌که عاقبت بخیری نزد خداوند است (آل عمران: ۱۴). به همین خاطر خداوند متعال می‌فرماید اگر می‌خواهید به مقام نیکوکاران دست یابید باید از آنچه دوست دارید در راه خدا انفاق کنید (آل عمران: ۹۲).

در بینش اسلامی، عقل می‌تواند اصلاح‌کننده خواهش‌ها و تمایلات نفس باشد. البته عقل از سنخ کشش نیست؛ بلکه همانند چراغی راه را روشن می‌کند تا نفس گرفتار تمایلات و غرایز کور نشود. در این مسیر، قوه تصمیم‌گیری که یک مرتبه نفس است و از جوهر نفس برمی‌خیزد در بین عقل و تمایلات، تعیین‌کننده است. حال یا آنچه را که به قوای غریزی مربوط است ترجیح می‌دهد و یا براساس راهنمایی عقل آنچه را که به سعادت ابدی منتهی می‌شود انتخاب خواهد کرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص.

۱۸۶). عقل به عنوان یک نیروی شناختی می تواند به میل ها و کشش های غریزی انسان جهت دهد و با محاسبه گری آن را در مسیر سعادت انسان قرار دهد. در این حالت، تبعیت از گرایش های غریزی مصداق هوای نفس نیست (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص. ۱۸۵).

محدودیت های ارادی

اراده آخرین جزء انتخاب است. مادامی که فرد اراده انجام نکرده باشد، کار انجام نمی گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص. ۴۴۳). تحقق اراده، منوط به تصوّرات و تصدیقات و حصول شوق اصلی به نتیجه کار و شوق فرعی به کار است. با این وجود، افراد ممکن است به واسطه ضعف اراده، قادر به انتخاب عقلایی نباشند. در این حالت افراد به دلایلی چون غلبه شهوات و یا خوگرفتن به برخی عادات، ممکن است به ضعف اراده مبتلی شده و دست به انتخابی غیرعقلایی بزنند. هرچند افراد می توانند در برابر کشش های غریزی مقاومت کنند، «گاهی در اثر عادت، حالتی در ما پدید می آید که، خود به خود، به انجام کاری و انتخاب راهی مشخص وادار می شویم، یا گاهی بر اثر شدت و فوران امیال حیوانی انسان بی اختیار در دام غرایز حیوانی می افتد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص. ۴۸).

در پاره ای از موارد خود فرد از غیرعقلایی بودن این انتخاب آگاه است؛ ولی وی توانایی مقابله به کشش شدید به سمت ارتکاب آن عمل را ندارد. «اما باید توجه داشت که ما به اختیار خویش مقدمات عادت یافتن به کاری و نیز مقدمات برانگیخته شدن غرایز حیوانی را فراهم می آوریم». (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص. ۴۸).

رویکرد اسلامی در مواجهه با محدودیت های عقلانیت

در رویکرد اسلامی، غلبه تمایلات انسان به سمت شهوات غیرسنجیده یکی از محدودیت های قوای تمایلی انسان است که وی را از عقلانیت دور می سازد. اسلام برای مهار این محدودیت گرایشی سعی در تقویت ابعاد شناختی بشر و همچنین ایجاد قوه مدیریتی موسوم به تقوی دارد. در این رویکرد دستیابی به نوعی عقلانیت تکامل یافته هدف گذاری شده است.

جدول ۲: رویکرد اسلامی در مواجهه با محدودیت‌های عقلانیت

محدودیت‌های عقلانیت	رویکرد اسلامی در مواجهه با محدودیت‌های عقلانیت
محدودیت شناختی	تقویت ابعاد شناختی بشر با گسترش نگرش افراد به قلمرو زندگی، توجه دادن به زندگی پس از مرگ، تغییر حسابداری ذهنی، تذکر و تلنگر اجتماعی
محدودیت گرایشی هیجانی	تقویت قدرت خودکنترلی: تذکر و تلنگر اجتماعی، ظرفیت دین و اخلاق
محدودیت ارادی	تقویت قدرت خودکنترلی: تعهدسازی درونی

تذکر و تلنگر اجتماعی

در رویکرد اسلامی به ظرفیت تذکر و تلنگر اجتماعی برای مواجهه با عقلانیت محدود توجه شده است. نهاد امر به معروف و نهی از منکر نوعی تلنگر اجتماعی است که می‌تواند به بهبود انتخاب افراد کمک کند. به همین خاطر در آیات مختلف قرآن مجید بر اهمیت ذکر و یادآوری تأکید شده است (طور: ۲۹). امر به معروف و نهی از منکر اقتصادی، کارکردی تصحیحی دارد و می‌تواند مانع از انتخاب‌های غیرعقلایی در تزیین و اسراف منابع شود. مشورت گرفتن از دیگران نیز کارکردی مشابه دارد که می‌تواند با تقویت ابعاد شناختی افراد از مشکلات عقلانیت محدود بکاهد (اکبری، ۱۳۸۶، ص. ۷۱).

در فضای فرهنگ دینی هم توصیه‌هایی در راستای معماری انتخاب به‌مثابه نوعی تلنگر مطرح شده است. برای نمونه، توصیه به دور نگه داشتن دیده از صحنه‌های شهوانی و پرهیز از تنها بودن با نامحرم توصیه‌ای برای معماری انتخاب است که مانع از غلبه ضعف اراده می‌شود.

ظرفیت دین و اخلاق اسلامی

دین و اخلاق اسلامی نیز می‌تواند با تقویت ابعاد شناختی بشر و تغییر حسابداری ذهنی او، از مشکلات عقلانیت محدود بکاهد. اسلام با گسترش دید افراد نسبت به زندگی و توجه دادن به عالم غیب و دنیای آخرت و ایجاد زمینه برای رفتار اخلاقی هم بعد شناختی افراد را تقویت می‌کند و هم قدرت افراد در مواجهه با مشکلاتی چون ضعف اراده را افزایش می‌دهد.

تقویت ابعاد شناختی بشر

اسلام تلاش می‌کند تا با تقویت ابعاد شناختی بشر زمینه را برای انتخاب عقلایی وی

هموار سازد. تقویت قوای شناختی بشر باعث می‌شود که وی از میان انگیزه‌های متعارض انگیزه‌ای که ارزشمندتر، بهتر و باقی‌تر است را بشناسد و بر اساس آن عمل کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص. ۱۹۱).

از جمله محورهای آگاهی‌بخشی به بشر برای زمینه‌سازی انتخاب عقلایی، گسترش دید او نسبت به جهان هستی و توجه به زندگی پس از مرگ است. اسلام تلاش می‌کند تا با پیوند دادن دنیا و آخرت افق دید فعالان اقتصادی را گسترش دهد. بر اساس رویکرد اسلامی، «انسان می‌تواند از نعمت‌های الهی بهره‌مند شود و مع‌الوصف، در آخرت هم سعادت‌مند باشد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص. ۱۹۱). خداوند متعال در آیات ۷ و ۸ سوره یونس کسانی را مذمت می‌کند که به زندگی دنیا رضایت دادند و از زندگی اخروی و لقاء خداوند غافل شدند (یونس: ۷-۸). در نگرش اسلامی، دنیایی مذموم است که انسان را از آخرت باز دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص. ۲۰۴).

در آیات زیادی از قرآن مجید سعی شده که با یادآوری معاد و زندگی پس از مرگ، جهان‌بینی افراد اصلاح شده و زمینه انتخاب‌های عقلایی فراهم آید. برای نمونه، در آیه ۱۰ سوره منافقون خداوند پس از فراخواندن افراد به انفاق از آنچه به آنها روزی شده، این نکته را گوشزد می‌کند که اقدامات خیر تنها پیش از مرگ امکان‌پذیر است؛ وقتی مرگ فرا رسد افراد مدعی می‌شوند که چرا مرگشان به تأخیر نیفتاده تا فرصت کافی برای صدقه‌دادن و قرارگرفتن در زمره صالحان داشته باشند (منافقون: ۱۰). در ماجرای معروف ایثار امام علی (علیه السلام)، حضرت زهرا (علیها السلام) و حسنین (علیهم السلام) در بخشیدن افطاری خود به یتیم، مسکین و اسیر، ایشان به خوف خود از روز سخت قیامت اشاره می‌کنند (انسان: ۱۰). خداوند می‌فرماید ما به‌واسطه صبرشان آنها را از شر این روز نجات می‌دهیم (انسان: ۱۱-۱۲).

توجه‌دادن به مالکیت حقیقی خداوند بر اموال نیز از جمله رهیافت‌های اسلامی برای تقویت ابعاد شناختی بشر برای انتخاب عقلایی است. یکی از موانع انتخاب عقلایی در حوزه انفاق در راه خداوند، این است که انسان خود را مالک و صاحب اختیار کامل اموالش می‌داند. خداوند متعال در آیه ۷ سوره حدید، این انگاره را رد

می‌کند و بر مالکیت حقیقی خداوند بر اموال و نقش انسان به‌عنوان جانشین خداوند در اداره اموال تصریح می‌کند (حدید: ۷).

تغییر حسابداری ذهنی

در آیات مختلف قرآن تلاش شده حسابداری ذهنی افراد در راستای توجه به منافع معنوی و اخروی اصلاح شود. برای نمونه، در آیه ۲۶۵ سوره بقره، ثمره انفاق در راه خداوند همانند زمینی دانسته شده که از قطرات درشت باران سیراب شده و محصولش دو برابر شود. در آیه ۲۹ سوره فاطر، انفاق در راه خداوند به‌عنوان تجارتی پُر سود معرفی شده که هیچ‌گاه دچار کساد نمی‌شود. در آیه ۱۱ سوره حدید از انفاق در راه خدا به‌عنوان وام‌دادن به خداوند متعال یاد شده؛ که پاداشی مضاعف دارد. در آیه ۱۷ سوره تغابن نیز اصلاح حسابداری ذهنی مشارکت‌کنندگان در کارهای خیر هدف‌گذاری شده است. در این آیه آمده است که کسی که به خدا قرض‌الحسنه دهد؛ خداوند پاداشی مضاعف می‌دهد؛ علاوه بر اینکه او را مشمول رحمت خود می‌کند. همچنین برای حذف منت و آزار از رفتارهای خیرخواهانه، این نکته مورد تأکید قرار گرفته که انفاق همراه با منت و آزار هیچ پاداشی نخواهد داشت. آیه ۲۶۴ سوره بقره برای فرهنگ‌سازی عقلانیت الهی و نه عقلانیت ریائی، انفاق مال از روی ریا را به قطعه سنگی تشبیه می‌کند که بر روی آن قشر نازکی از خاک همراه با بذر گیاه باشد؛ هنگامی که باران می‌آید خاک بر روی سنگ و بذرها روی آن را می‌شوید. در نتیجه هیچ محصول و ثمری حاصل نمی‌شود. در آیه ۴۶ سوره کهف نیز تلاش شده که حسابداری ذهنی افراد با مقایسه بین اموال دنیا و انفاق تغییر کند. در این آیه از آنچه انفاق می‌شود با عنوان چیزی که باقی می‌ماند (باقیات صالحات) یاد شده است. همچنین عنوان شده که انفاقات نزد پروردگار از نظر پاداش و سرانجام بهتر است. همچنین خداوند متعال پرداخت زکات را مایه تطهیر و تزکیه زکات‌دهندگان اعلام می‌کند امری که با محاسبات مادی متعارف سازگار نیست (توبه: ۱۰۳).

در تعبیر قرآنی از تشبیه‌هایی برای تصحیح خطای محاسباتی بشر استفاده شده است. برای نمونه، انفاق در راه خداوند به کاشتن بذری تشبیه شده که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه یکصد دانه باشد. این به‌معنای رشد ۷۰۰ درصدی است که از

دید بشر پنهان است (بقره: ۲۶۱). همچنین انفاق در راه خداوند به باغی تشبیه شده که باران درشت بر آن بیارد و محصولات آن دوبرابر شود (بقره: ۲۶۵).

تعه‌دسازی درونی

در فرهنگ اسلامی نیز به ابزارهای تعه‌دسازی برای غلبه بر مشکلات انتخاب عقلایی به‌خصوص در زمینه ضعف اراده توجه شده است. توصیه به تقوی در دین اسلام، با هدف تقویت تعه‌د درونی افراد برای انتخاب درست می‌باشد. در نگرش قرآنی، تقوی دریچه‌های آگاهی و دانایی را بر روی افراد می‌گشاید (بقره: ۲۸۲) و باعث می‌شود که افراد دچار خطای محاسباتی نشوند (انفاق: ۲۹). خداوند متعال ایمان و تقوی موجب نزول برکات آسمان و زمین می‌داند (اعراف: ۹۶).

تقوی به معنای حفظ نفس همراه با خوف است. البته هر نوع ترسی تقوی نیست؛ مراد ترس از به خطر افتادن سعادت و یا گرفتار شدن به شقاوت و بدبختی و یا عذاب الهی است. البته نهایت ترس نفهته در تقوا به به ترس از خداوند برمی‌گردد که حاکم بر روز جزا است. از این رو، در نهایت، همه این تقواها که بر اساس این ترس‌ها انجام می‌گیرد به اتقاء الله برمی‌گردد. «مؤمنی با تقواست که در همه کارها خداوند را در نظر داشته و با دقت تمام، طوری رفتار کند که موجب خشنودی خداوند شود و با حواس جمع دست به کارهایی نزند که نارضایتی و ناخشنودی خداوند را به دنبال داشته باشد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص. ۷۴).

در رویکرد اسلامی، استفاده از ابزارهای تعه‌دسازی همچون نذر و قسم نیز برای مقابله با محدودیت‌های انتخاب و از جمله ضعف اراده مطرح شده است. چنین ابزارهایی می‌تواند کارکردی محدودکننده در انتخاب‌ها داشته باشد و با هزینه‌دار کردن گزینه‌های نامطلوب افراد را به سمت انتخاب عقلایی رهنمون سازد.

نتیجه‌گیری

بر اساس نظریه عقلانیت محدود انسان به دلیل مواجهه با عدم قطعیت و نبود دسترسی به اطلاعات آینده، دارای محدودیت‌های شناختی و انگیزشی است، به گونه‌ای که نمی‌تواند بر طبق پیش‌بینی نظریه انتخاب عقلایی اقتصاد نئوکلاسیک، عاقلانه تصمیم بگیرد. از نگاه اقتصاددانان رفتاری، این پدیده ریشه در مشکلاتی چون محدودیت‌های

ذهنی بشر، ضعف اراده و قابلیت‌های پایین اخلاقی دارد. برای رفع این محدودیت‌ها، پیشنهادهایی همچون استفاده از تلنگرها، ظرفیت اخلاق و ابزارهای تعهدساز پیشنهاد شده است.

در این مقاله به بررسی میزان تطابق این نظریه با رویکرد اسلامی نسبت به عقلانیت و ظرفیت‌های اقتصاد اسلامی برای بهبود آن پرداختیم. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در منابع اسلامی علاوه بر توجه به محدودیت‌های شناختی بشر در زمینه تحلیل گزینه‌ها و حسابداری ذهنی مربوطه، به محدودیت‌های انگیزشی، و ارادی بشر نیز توجه شده است. در آیات زیادی از قرآن به خطاهای محاسباتی بشر در انتخاب، از جمله خطای محاسباتی در کم‌ارزش قلمداد کردن منافع اخروی و ارزش‌گذاری بالای منافع دنیوی، اشاره شده است. این خطای محاسباتی ریشه در برخی ابعاد روانی انسان از جمله گرایش زیاد او به منافع دنیوی و عجز بودن دارد. به همین خاطر در آیات زیادی از قرآن مجید برتری منافع اخروی نسبت به منافع دنیوی گوشزد شده است.

در رویکرد اسلامی، تمایلات و غرایز کور انسان می‌توانند وی را از رفتار عقلایی دور سازد؛ این مشکل زمانی رخ می‌دهد که انسان بدون تبعیت از رهنمودهای عقل به دنبال ارضای غرایز و شهوات خود و یا خواسته‌های نفس اماره می‌رود. تبعیت از شهوات و هواپرستی باعث حرص و زیاده‌طلبی انسان و در نتیجه بخل‌ورزی و امتناع از کمک به فقرا می‌شود که در منطق اسلامی رفتاری غیرعقلایی است. در این حالت، خواست‌های حیوانی بر گرایش‌های والای انسانی و الهی و همچنین منافع دنیوی بر منافع اخروی ترجیح داده می‌شود.

ضعف اراده نیز یکی از موانع پیش‌روی انتخاب عقلایی است. افراد به واسطه خوگرفتن به تبعیت ناسنجیده از شهوات نمی‌توانند در مقابل کشش‌های نفس اماره مقاومت کنند. نتیجه ضعف اراده انتخاب گزینه‌ای است که افراد با عقل خود آن را نادرست می‌دانند. اما شدت کشش‌های درونی به سمت انتخاب غیرعقلایی فرد را از انتخاب عقلایی باز می‌دارد. هنگامی که انتخاب بر اساس انگیزه‌های نسنجیده تبدیل به عادتی رفتاری شود، نفس انسان بدان خو می‌گیرد و فاصله‌گرفتن از آن برایش دشوار است.

تذکر و تلنگر اجتماعی، ظرفیت دین و اخلاق اسلامی و تعهدسازی درونی به عنوان سه راهبرد برای مواجهه با عقلانیت محدود در رویکرد اسلامی قابل شناسایی است. در این راستا، نهاد امر به معروف و نهی از منکر می تواند به عنوان تلنگری برای انتخاب عقلایی عمل کند. دین و اخلاق نیز این ظرفیت را دارند که با تقویت ابعاد شناختی و تغییر حسابداری ذهنی افراد، از کاستنی های عقلانیت محدود بکاهند. استفاده از ابزارهای تعهدساز همچون نذر برای تقویت قدرت انتخاب و همچنین افزایش نیروی تقوی در افراد یکی دیگر از راهکارهای مواجهه با عقلانیت محدود می باشد.

در مقام مقایسه رویکرد اسلام به محدودیت های عقلانیت و راهکارهای مقابله با آن از نظر شکلی با رویکردهای جدید در اقتصاد رفتاری همگرایی دارد. با این وجود، هم نوع تحلیل از این محدودیت ها و هم رویکرد پذیرفته شده برای مقابله با آن مبتنی بر انسان شناسی اسلامی و استفاده از ظرفیت های دینی و اخلاقی است. در این چهارچوب گسترش دید افراد نسبت به بعد زندگی (دنیا و آخرت) و تقویت نیروی بازدارنده درونی (تقوی) رویکردی متمایز برای مقابله با محدودیت های عقلانیت است. در صورتی که مطالعات تجربی در زمینه عقلانیت محدود در رویکرد اسلامی شکل گرفته و گسترش یابد، می توان با دقت بیشتری در مورد ظرفیت ابزارهای مقابله با عقلانیت محدود قضاوت و از آن برای حل مشکلات رفتاری افراد استفاده کرد.

کتابنامه

- اکبری، رضا (۱۳۸۶). تصمیم گیری، عقلانیت و اصل شورا. اندیشه مدیریت. ش ۱. صص ۵۹-۷۵.
- حسینی، سیدرضا (۱۳۷۹). الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف کننده مسلمان. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دادگر، یدالله؛ و هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی عقلانیت اسلامی با رویکرد شناختی. اقتصاد اسلامی، ش ۴۷. صص ۵-۲۸.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۸۷). مبانی اقتصاد اسلامی، ویرایش ۴. تهران: سمت.
- رحمانی، نیما (۱۳۹۵). بررسی نقش وحی در تصمیم گیری عقلانی شهودی. اسلام و مدیریت. ش ۱۰. صص ۲۹-۵۲.
- رهبر، فرهاد؛ امیری، میثم (۱۳۹۳). اقتصاد رفتاری و سیاست گذاری عمومی. برنامه و بودجه، سال ۱۹. ش ۴. صص ۱۴۷-۱۸۲.

زرقا، محمد انس (۱۳۷۵). وابستگی جزئی در تابع مطلوبیت مسلمان. مباحثی در اقتصاد خرد نگرش اسلامی. تدوین طاهر، غزالی و سیدعقیل، ترجمه حسین صادقی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

سایمون، هریت (۱۳۷۱). رفتار اداری؛ بررسی در فراگردهای تصمیم‌گیری در سازمان اداری. ترجمه م. طوسی. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

سن، آمارتیا (۱۳۷۷). اخلاق و اقتصاد. ترجمه حسن فشارکی. تهران: شیرازه.

صدر، سید کاظم (۱۳۷۴). اقتصاد صدر اسلام. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

عبدالمنعم عفر، محمد؛ مصطفی، احمد فرید (۱۹۹۹). التحليل الاقتصادي الجزئي بين الاقتصاد الوضعي والاقتصاد الاسلامي. اسکندریه: مؤسسه شباب الجامعه.

کرمی، محمدحسین؛ دیرباز، عسکر (۱۳۸۹). مباحثی در فلسفه اقتصاد؛ علم اقتصاد و ارزش‌ها، انسان اقتصادی. تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه.

مرطان، سعید (۱۹۸۶م). مدخل للفکر الاقتصادي فی الاسلام. بیروت: مؤسسه الرساله.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳). آموزش فلسفه، ویرایش ۴. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رضی‌الله عنه).

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). انسان‌سازی در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رضی‌الله عنه).

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). اخلاق در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رضی‌الله عنه).

میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۴). اقتصاد کلان بارویکرد اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

هادوی‌نیا، علی اصغر (۱۳۸۷). فلسفه اقتصاد در پرتو جهان‌بینی قرآن کریم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- Ariely, D. (2008). *Predictably Irrational: The Hidden Forces That Shape our Decisions*. HarperCollins Publication.
- Ariely, D. (2009). *The End of Rational Economics*. Harvard Business Review.
- Bazerman, M., & Sezer, O. (2016). *Bounded awareness: Implications for ethical decision making*. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 136, 95-105.
- Colin, F. C., Loewenstein, G., & Rabin, M. (2004). *Behavioral Economics: Past, Present, Future*. In F. Colin, G. Loewenstein, & M. Rabin, *Advances in behavioral economics* (pp. 3-51). Princeton University Press.
- Elster, J. (1983). *Explaining Technical Change*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Elster, J. (2000). *Ulysses Unbound: Studies in Rationality, Precommitment, and Constraints*. Cambridge University Press.
- Gigerenzer, G., & Selten, R. (2001). *Bounded Rationality: The Adaptive Toolbox*. Massachusetts, Cambridge: The MIT Press.
- Jones, R. (2002). Bounded Rationality and Public Policy: Herbert A. Simon and the Decisional Foundation of Collective Choice. *Policy Sciences*. 35(3), p 284-269.
- Kahf, M. (2014). *Notes on Islamic Economics: Theories and Institutions*. USA: CreateSpace Independent Publishing Platform.
- Kahneman, D. (2010). *Thinking, Fast and Slow*. New York: Farrar, Straus and Giroux.

- Kahneman, D., & Tversky, A. (1974). *Judgment Under Uncertainty: Heuristics and Biases*. Science, 185 (4157), 1124-1131.
- Khan, M. (1984). Macro Consumption Function in an Islamic Framework. *Journal of Research in Islamic Economics*, 1(2).
- Rubinstein, A. (1998). *Modeling Bounded Rationality*. Cambridge, Massachusetts: The MIT Press.
- Schelling, T. (1960). *The strategy of conflict*. Harvard University Press.
- Sen, A. (1987). *Rational Behaviour*. In J. Eatwell, & et al. (Eds.), *The New Palgrave, A Dictionary of Economics* (Vol. 4, pp. 68-76). New York: The Macmillan.
- Sen, A. (1988). *On Ethics and Economics*. Blackwell.
- Simon, H. (1972). *Theories of Bounded Rationality*. C. McGuire, & R. Radner, In: *Decision and Organization: A Volume in Honor of Jacob Marschak*. Amsterdam and London: North-Holland Publishing Company.
- Simon, H. (1987). *Making Management Decision: The role of intuition and emotion*. Academy of Management Executive. 1(1) 57-64.
- Thaler, R. (2015). *Misbehaving: The Making of Behavioral Economics*. New Haven & London: W.W. Norton & Company.
- Thaler, R., & Shefrin, H. (1981). An Economic Theory of Self-control. *Journal of Political Economy*, 89(2), 392-406.
- Thaler, R., & Sunstein, C. (2008). *Nudge: Improving Decisions About Health, Wealth and Happiness*. New Haven & London: Yale University Press.
- Todd, P., & Gigerenzer, G. (2003). Bounding Rationality to the World. *Journal of Economic Psychology* (24).

Referenc:

- AbdulMonem Afar, Mohammad; Ahmad Farid, Mostafa (1999). *Microeconomic Analysis between Traditional and Islamic Economics*, Iskandarie, Shabab Al-Jameh Institute, (In Persian).
- Akbari, Reza (2008). *Decision making, Rationality and the principle of Shora*. Management Idea. No. 1, P. 59-75, (In Persian).
- Dadghar, Yado'Allah, Hadavinia, Ali Asghar (2013). A Comparative Analysis of Islamic Rationality with a Cognitive Approach, *Islamic Economics*, No. 47, P. 5-28, (In Persian).
- Hadavinia, Ali Asghar (2009). *Philosophy of Economics in the Prospect of Qoranic Worldvies*. Tehran, Research Center for Islamic Culture and Thought, (In Persian).
- Hoseini, Seyyed Reza (2001). *The Model of Income Allocation and the Behavior of Muslim Consumer*. Tehran, Research Center for Islamic Culture and Thought, (In Persian).
- Karami, Mohammad Hussein; Dirbaz, Askhar (2011). *Studies in Philiosopy of Economics; values and Economic Man*. Tehran, Research Institute of Hawzah and University, (In Persian).
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2005). *Study of Philosophy*, 4th ed., Qom, Imam Khumainin Education and Research Institute, (In Persian).
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2010). *Humanization in Qoran*, Qom, Imam Khumainin Education and Research Institute, (In Persian).
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2013). *Ethics in Qoran*, Qom, Imam Khumainin Education and Research Institute, (In Persian).

- Mirmoezi, Seyyed Housein (2006). *Macroeconomics from an Islamic Perspective*. Tehran, Research Center for Islamic Culture and Thought, (In Persian).
- Mortan, Saied (1986). *An Introduction into the Economic Thought of Islam*, Beirut, Alresalah Institute, (In Persian).
- Rahbar, Farhad; Amiri, Meysam (2015). *Behavioral Economics and Public Policy making*, Planning and Budgeting, 19(4), P. 147-182, (In Persian).
- Research Institute of Hawzah and University (2009). *Principles of Islamic Economics*. 4th ed., Tehran, Samt, (In Persian).
- Rhmani, Nima (2017). Analysis of the Role of Vahie in Intutive Rational Decision making. *Islam and Management*, no. 10, P 29-52, (In Persian).
- Sadr, Seyyed Khazem (1994). *The Economy of the Early Days of Islam*, Tehran, Shahid Beheshti University, (In Persian).
- Sen, Amartia (1999). *Ethics and Economics*, Fesharaki, Hasan (Trans.), Tehran, Shirazeh, (In Persian).
- Simon, Herbert (1993). *Administrative Behavior: A Study of Decision-making Processes in Adminstrative Organizations*, Tosi, M. (Trans.), Tehran, Center for Public Management Training, (In Persian).
- Zarqa, Mohammad Anas (1997). *Parcial Dependence in the Uitility Function of a Moslem, Lessong in Islamic Microeconomics*, Tahir, Ghazali and Seyyed Aqil (eds.), Sadeqi, Hossein (Trans), Tehran, Tarbiat Modares University, (In Persian).